

# هموطنان! چون تن واحد بمقابله با تجاوز رژیم مزدور بعثی عراق و توطئه امریکا بر خیزیم!

## توده ایها آماده دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اند

### پیام کانون دانش آموزان ایران بمناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

دانش آموزان عزیز! مدرسین گرامی! مسئولین محترم آموزش و پرورش! پیام همه دانش آموزان شریفه، بهنام همه آموزگاران و دبیران بهخون غنچه خلق و به نام همه سران، زنان، جوانان و جوانانی که با ابتکار خون خود، شالوده ارکان جمهوری اسلامی ما را برپا کرده اند، سال تحصیلی جدید را آغاز کنید.

تاریخ باشد، پدیده های بزرگ تاریخی لمره فداکاریهای توده ایست. انقلاب ایران اکنون به چنین فداکاریهایی نیاز دارد. خلق ما باید برای جانباختنهای توده ای در راه حفظ استقلال و آزادی و حیثیت انسانی خود آماده باشد. جمهوری نوپای ایران از هر سو در معرض خطر است. در داخل مرتجعترین لشرهای محافظه کار همراه با عوامل ضد - انقلاب از یکسو، چپ نمایان و سرسپردگان به سرویسهای جاسوسی امپریالیسم از سوی دیگر و در خارج تمام دنیای سرمایه و زر و زور و سرکردگی امپریالیسم آمریکا باهم برضند. انقلاب ایران همدستان شده اند. فشار منگنه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر ما از هر سو افزایش می یابد. تجاوز نظامی همگانی رژیم بعثی عراق به ایران مرحله جدیدی از توطئه براندازی است. رژیم مزدور بعثی عراق در

هموطنان! با تجاوز نظامی رژیم مزدور بعثی عراق به ایران، که در چهارچوب توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا انجام میگردد، خلق قهرمان ایران امروز با یکی از لطمه های سرنوشت ساز تاریخ خود روبرو است. ما، نسبتاً در قبال آینده میهنمان، بلکه همچنین در برابر تاریخ خلقهای منطقه مسئولیت بزرگی بسمه داریم. اگر خلق قهرمان ما در این لحظه تاریخی از نبرد خونین با امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و متحدان و دستیاران و دست نشانده گانش، پیروز در آید - که بی تردید پیروز در خواهد آمد - بزرگ زوینی در تاریخ مبارزات آزادی بخش خلقهای اسیر خاور نوشته است. پیروزی در این نبرد مستلزم فداکاری است. امفادکاری هنگامی به پیروزی می انجامد که از جنبه فردی بیرون آید و شکل توده ای و همگانی بخود بگیرد. فداکاریهای فردی هر قدر بزرگ باشد و بعدا یثار هم برسد، نمی تواند سازنده



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۹  
شعبه ۱ مهر ۱۳۵۹، بهار ۱۵۰۰ ریال

# امام خمینی: صدام حسین به تحریک آمریکایه ایران حمله کرده است

## ایران در حال جنگ است با آمریکا

ملت عراق باید بدانند این جرگه فساد منطوری دارد یا شما عمل می کنید که محمدرضا به ایران عمل میکند و ما محمدرضا را بیرون میگردانیم و شما باید این نفس کرمی و شمام باید این نفس را بیرون کنید از عراق. امام در ادامه می فرمود: صدام حسین میخواهد مستی را باز کند در سالک اسلامی و ما جریمان اینست که ما آمریکا مخالف هستیم و این جریمانست که پیش صدام حسین بخشودن نیست. این است که ما برخلاف آمریکا هستیم.

صدام حسین است که بواسطه تحریک آمریکا به تجاوز کرده است. ما اگر جوابی با او بدیم هرگز به ملت عراق که فریاد ما هستند مربوط نیست. امام در ادامه پیام خود گفت: صدام حسین طرفدار کثرت است و بواسطه طرفداری از کثرت و گرفتن نوا از او دارد به ایران حمله می کند. و کثرت این نوگرهای خودش را مثل صدام حسین، مثل سادات و امثال اینها را وادار کرده است که به ایران حمله بکنند و به ایران صدمه بزنند. امام افزود:

شما با اینکه مقداریش روشن است بیشتر معلوم میشود پیش مرده ایران، در چنین وقتی که ایران در حال جنگ است با آمریکا و این آلتوست آمریکا تجاوز کرده است به ایران، شما اگر چنانچه برای باز شدن مدارس انتقاشن بیا کنید و یا شمشیر سازی کنید، معلوم میشود که شما عمل آمریکا و محسنت صدام حسین خبیث هستید، امام افزود: هر وقتی که مقدس بشود من پیامی به ملت خواهد داد و به صدام حسین و امثال او ثابت خواهم کرد که این آفتاب آمریکا قابل ذکر نیستند. امام همچنین گفت: این

امام خمینی به مناسبت آغاز سال تحصیلی و تجاوز رژیم چپانیکار عراق به خاک ایران پیامی فرستاد. امام در این پیام از جمله گفت: بهجسبتی هاشی که میخوانند نگذارید مدارس باز شود باید توجه داد شما در اینطور موقی که ایران در این وضع واقع است و عراق رسماً اعلام جنگ کرده است به ایران، اگر راست میگوئید که شما با ملت هستید و نسبت به خلق وفادار هستید باید شما خودتان در این امر یا ملت ایران همراهی کنید، اگر ما دیدیم شما در مدارس ایجاد انتقاشن کردید، ساخت

## نخست وزیر: استکبار جهانی و در رأس آن آمریکای تجاوزگر... از طریق دولت بعثی و مزدور عراق علیه انقلاب اسلامی ایران تلاش مذبحو حانه اش را سازمان داد

داین درگیریهما و امتکلسر، آبدیده تر و مستور و هوشیارتر می کند، ملت مسلمان و انقلاب است و انقلاب اسلامی پایان نگرفته است. ما این واقعه را برای مداوم انقلاب به قائلیم میگیریم و اینچنان درسی به این سرانگشتن ستم و استکبار جهانی میدیم که از اینها نشان نیز برای همیشه بشیمان گردند. آماده برای پاسداری و گسترش انقلابتان باشید. از استکار مواه از امروز تا باستانی و انضراب و از انتشار شایعات جلوگیری کنید.

آقای محمدعلی رجایی نخست وزیر دیشب طی پیامی به مردم ایران در مورد تجاوز نظامی رژیم چپانیکار بعث عراق علیه انقلاب ایران از جمله گفت: همانطور که اطلاع دارید استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا تجاوزگر در ادامه توطئه ها و تهاجمهای خود اینک از طریق دولت بعثی و مزدور عراق علیه انقلاب اسلامی ایران تلاش مذبحو حانه اش را سازمان داد و امروز چندین نقطه سبب اسلامی ما را مورد حمله هوایی قرار داده است.

## رئیس جمهور: ابعاد تجاوز آمریکا از طریق رژیم بعث عراق، گسترده تر می شود زمان آنست که دشمنان ما، مارا استوار، نستوه و توانا بیابند

آقای بنسدر رئیس جمهور دیشب طی پیامی، در مورد تجاوز نظامی رژیم چپانیکار بعث عراق به پشتیبانی امپریالیسم آمریکا علیه ایران، سخن گفت. وی از جمله گفت: رژیم بعثی عراق جز دروغ تبلیغ نمی کند، ما از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا این لحظه هیچگاه خواهیم بودیم که درگیری نظامی با دولت بعث عراق پیدا کنیم... اما بر ما روشن بود که دولت بعث عراق در تأیید کامل از ابرقدرت آمریکا عمل می کند و هدفی جز این ندارد که به انقلاب اسلامی ما صدمه بزند و دولت و رژیم انقلابی ما را هر روز بسا مشکلات تازه ای دوبرو سازد. فته تنها در مرزها تجاوز را ذولت بعث عراق آغاز کرد، بلکه از روز نخست پیروزی انقلاب، در داخل مرزهای ما خرابکاران رژیم بعث عراق، هیچ از فساد و خرابکاری فروگذار نکردند.

# برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

پیام در صفحه ۸

پیام در صفحه ۸

پیام در صفحه ۸

پیام در صفحه ۸

# نمایشگاه بین المللی بازرگانی برای شکستن محاصره اقتصادی امپریالیسم امریکا

۹ کشور از ۱۵ کشور شرکت کننده را کشورهای سوسیالیستی تشکیل می دهند.

مدیر کل نمایشگاههای بین المللی: برگزاری این نمایشگاه فرصت مناسبی پدید آورد که ضمن تشکیل آن به این نکته مهم پی ببریم که، چه کشورهایی به حلق مناسب تجارتی و اقتصادی خود با ایران، علیرغم فشارهای بین المللی، همچنان ادامه می دهند.

فرزاد نوری از مردم وطن ما در چند روز گذشته از هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی در تهران دیدن کرده است. در این نمایشگاه که برای اولین بار در تاریخ نوین ایران، تنها برای غایت کشور ما تشکیل نشده بلکه هدف از برپایی آن حل مشکلات اقتصادی جمهوری نوای اسلامی ایران است، مردم وطن ما با دوستان راستین انقلاب ایران و همچنین با اختراعات دهنای ایرانی آشنا میشوند. در این نمایشگاه ۹ کشور سوسیالیستی، اتحاد جماهیر شوروی، بلغارستان، لیبیان، یوگسلاوی، کوبا، چکسلواکی، جمهوری دموکراتیک آلمان، رومانی و مجارستان شرکت کرده اند. در غرض این کشورها که اکثریت کشورهای شرکت کننده را تشکیل می دهند، انواع کالاها صنعتی، کشاورزی و غذایی که می تواند حلقه محاصره اقتصادی امپریالیسم امریکا را بشکند و راه رشد مستقل صنعتی ایران را فراهم کند، به نمایش گذاشته شده است. از سنگین ترین و پیچیده ترین ماشینهای صنعتی تا ساده ترین لوازم مورد نیاز در غرفه کشورهای سوسیالیستی در معرض نمایش عموم گذاشته شده است.

از کشورهای سرمایه داری تنها دو کشور سوئد و المریز در نمایشگاه شرکت کرده اند. سوئد که کوچکترین غرفه نمایشگاه است، تنها مقداری عکس را شامل میشود و غرفه المریز نیز تنها چند کالای بی اهمیت را به نمایش گذاشته است. کشورهای دیگری که شرکت کنند در این نمایشگاه عبارتند از: ترکیه، لیبی، بنگلادش و پاکستان. در کنار این نمایشگاه، نمایشگاه دیگری بنام «کالالوگ» و اختراعات مخترعین ایرانی، نیز قرار دارد که بطور دائمی در تمام طول سال دائر خواهد بود. در این نمایشگاه اختراعات و ابداعات مخترعین و کاشفین

اتحاد جماهیر شوروی بزرگترین غرفه را به خود اختصاص داده است. پس از آن، جمهوری دموکراتیک آلمان و بلغارستان بزرگترین غرفه ها را برپا کرده اند. در غرفه اتحاد شوروی دستکهای صنعتی از قبیل دستکهای نقره ای و تراشکاری، وسائل الکترونیکی و کامپیوتری و همچنین ماشینهای از کارخانه های تولیدی از قبیل ذوب آهن و نساجی به نمایش گذاشته شده است. قسمتی از غرفه اتحاد شوروی به چگونگی زندگی مسلمانان اتحاد شوروی اختصاص داده شده است که در آن کله های از مساجد و انجام مراسم مذهبی مسلمانان شوروی و همچنین چندجمله آفران-های چاپ شوروی به نمایش گذاشته شده است. قسمتی دیگر از غرفه شوروی به محصولات و وضع زندگی مردم جمهوری ازبکستان شوروی اختصاص یافته است، که در آن صنوعات و صنایع دستی و چگونگی زندگی مردم جمهوری ازبکستان به نمایش

گذاشته شده است. آقای لالی اسپریه مدیر کل مرکز توسعه صادرات ایران و نمایشگاههای بین المللی، در سخنرانی خود به مناسبت افتتاح نمایشگاه، در مورد کشورها شرکت کننده در این نمایشگاه و همچنین اهمیت تشکیل آن گفت: برگزاری هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران فرصت مناسبی پدید آورد که، ضمن تشکیل آن، به این نکته مهم پی ببریم که، چه کشورهایی به حلق مناسب تجارتی و اقتصادی خود با ایران، علیرغم فشارهای بین المللی، همچنان ادامه می دهند...

یکی از دیدنی ترین قسمت های نمایشگاه، غرفه «کالالوگ» و اختراعات مخترعین ایرانی است. که پس از خانه نمایشگاه بین المللی، مسرت نمایشگاه دائمی در تمام طول سال دائر خواهد بود. در این غرفه نزدیک به ۱۰۰۰ اختراع ایرانی تازه ترین اختراعات و ابداعات خود را به نمایش گذاشته اند و هدف از برپایی آن ترویج و تقویت افرادی است که توانسته اند با هوش و توانایی خود، کشفیات و اختراعات تازه ای را در اختیار جامعه بگذارند. بدین منظور از طرف صنایع و معادن وامی به مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است، که از طریق کارخانه های مسولین، و اختراعات مخترعین و مخترعین ایرانی جهت تحقیقات بیشتر و تکامل و تولید اختراعات و اکتشافات آنها قرار داده خواهد شد.

## پیام رئیس جمهوری اسلامی ایران به نمایشگاه بین المللی: کشورهای شرکت کننده در این نمایشگاه نشان میدهند که به حفظ مناسبات بازرگانی و صنعتی با ایران علاقه دارند

وزیر بازرگانی: برگزاری هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران فرصت مناسبی پدید آورده است که ضمن تشکیل آن، وزارت بازرگانی و اقتصادی با ایران، علیرغم فشارهای بین المللی، همچنان ادامه می دهند.

کوشش هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران، از جمله گفت: وزارت بازرگانی ایران نشان میدهد که پیش از ۹۰ درصد واردات ایران وابسته به ایالات متحده آمریکا، بازار مشترک اروپا، ژاپن، استرالیا، کانادا و کشورهای صنعتی بوده است، که از لحاظ اقتصادی و سیاسی از صنایع ایالات متحده آمریکا حمایت میکنند...

### پیام وزیر بازرگانی...

مجموعین وزیر بازرگانی، در پیامی که به مناسبت گشایش هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران، از جمله گفت: وزارت بازرگانی ایران نشان میدهد که پیش از ۹۰ درصد واردات ایران وابسته به ایالات متحده آمریکا، بازار مشترک اروپا، ژاپن، استرالیا، کانادا و کشورهای صنعتی بوده است، که از لحاظ اقتصادی و سیاسی از صنایع ایالات متحده آمریکا حمایت میکنند...

کوشش هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران، از جمله گفت: وزارت بازرگانی ایران نشان میدهد که پیش از ۹۰ درصد واردات ایران وابسته به ایالات متحده آمریکا، بازار مشترک اروپا، ژاپن، استرالیا، کانادا و کشورهای صنعتی بوده است، که از لحاظ اقتصادی و سیاسی از صنایع ایالات متحده آمریکا حمایت میکنند...

## مسئول غرفه مجارستان در هفتین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران به خبرنگار نامه مردم گفت:

مجارستان آماده است بدون هیچ شرط سیاسی با ایران همکاری اقتصادی و بازرگانی داشته باشد

مجارستان آماده است همه صنایع سنگین و سبک را در اختیار ایران بگذارد

رئیس تدارکات نمایشگاهی بین المللی در مجارستان، آقای الکساندر فراموسی، در غرفه مجارستان در نمایشگاه بین المللی تهران، در یک گفتگوی اختصاصی با نامه مردم خاطرنشان ساخت که: محاصره اقتصادی از سوی امپریالیسم راه حلی برای حل درگیریها نیوده، بخصوصی که ایران دوستان زیادی در خارج از کشورش دارد، که حاضر به همکاری متقابل و دو-جهانبی با ایران هستند. غرفه مجارستان نمونه خوبی است برای ایجاد ایمن همکاری و دوستی، آقای الکساندر فراموسی، که مسئولیت غرفه مجارستان در نمایشگاه بین المللی تهران را برعهده دارد در مورد نحوه همکاری کشورش با ایران گفت:



آقای الکساندر فراموسی، مسئول غرفه مجارستان در نمایشگاه تهران

مسئول غرفه مجارستان، ضمن اظهار این مطالب افزود: شرکت های مجارستان با یکی از شرکت های ایران قراردادهایی بسته اند و ما امیدواریم که این مناسبات در سطح وسیعتری برقرار شود. وی در خانه سخنانی در مورد انقلاب ایران گفت: «همیشه انقلابها خوب است، زیرا همتد انقلابها، پیوند زندگی بهتر برای خلقهاست. انقلاب ایران نیز یک انقلاب عدالت طلبانه است، که همین مقصد را دنبال می کند»

## مروگ بر امپریالیسم جهانخوار امریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

پلیر است، به مردم تهران گردستان هشدار داده است که: در صورت تجاوز نظامی استعمارگران و ایادی آنها در منطقه، تجاوزگران همه ملت ما را مورد تجاوز قرار خواهند داد، ترک و کرد و فارس و عرب و بلوچ را خواهند کوفت و به هیچکس رحم نخواهند کرد. ... با توجه به وضعیت منطقه، سپاه پاسداران مستقر در سترلازم است با مسئولیت بیشتری آموزش های لازم را در زمینه های آمادگی و دفاع در برابر یورش نیروهای بعث عراق به مردم بدهد...

به پیروی از فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران: سازمان حزب توده ایران در سترز نیروهای خود را در اختیار سپاه پاسداران می گذارد. کمیته مرکزی حزب توده ایران همزمان با دعوت به نیروهای انقلابی و اعضای و هواداران حزب توده، کمیته مرکزی را که هستند به سازمان...

سازمان حزب توده ایران در شیرستان سترز، ضمن نامه سرگشاده ای خطاب به فرماندهی سپاه پاسداران دستور اعلام کرد که در صورت تجاوز نظامی آمریکا و حکومت فاشیستی بعث عراق، حکومت توده ایران خود را برای دفاع از انقلاب در اختیار سپاه پاسداران مستقر در سترز می گذارد. در بیان نامه ضمن بررسی توسعه های امریکا علیه انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی ایران، آمده است: ضحای انقلاب جهانی، سرگردمی آمریکا، هر بار که شکست می خورد...



# هنوز نور انقلاب به درون کوره‌های آجرپزی نتاییده است



نوجوانانی که باید درس بیخوانند به پیشین کار طاقت‌فرسائی مشغولند

زودیکترین کوره‌های آجرپزی استان بوشهر در ۲۴ کیلومتری جنوب شرقی این بندر و در جوار اسیس شمال و غرب دورستای گورک و عالی چگی (کنکرت) از یک کیلومتر از هم واقع شده‌اند. قرار دارد. تغل اکثر اهالی کشاورزی به همراه دامپروری است و برخی هم به علت نداشتن زمین و امکانات زراعی به شبرهای اطراف مهاجرت می‌کنند. برخی نیز با اجبار به کار در کوره‌های آجرپزی روی می‌آورند. سالهای پیش، کارگران این کوره‌پزخانه‌ها را اکثریت اهالی این دوروست تشکیل می‌دادند، اما شرایط سخت کار موجب شده است که کثرت کارگران مهاجراتی جای آنها را پر کنند. البته لازم به یادآوری است که بعضی از کودکان نوجوانان به همراه بزرگترها هنوز به این کار مشغولند. تعداد کوره‌های آجرپزی این ناحیه ۱۵ تا ۲۰ است. اما این کوره‌ها اغلب بیش از یک کوره دارند (دو تا نواز اهالی روستای گورک یا بندر بوشهر هستند). اما کوره‌های کارگران ۷ یا ۸ مادام تا ۲ تا ۳ روز کار می‌کنند. گاهی اوقات کارگران کثرتی تا یاسی از شب که هوا خنکتر می‌شود، کار می‌کنند.

سیتم مزدگیری به سه صورت: روزمزدی، کثرتی و ماهانه است.

صورت قالب زنی هرزاری (۱۰۰۰) تومان و کثرتی با برخی کارگران ماهانه ۱۵۰۰ تومان می‌گیرند. میزان حقوق کارگران کوره‌ها بطور رسمی از طرف دولت تعیین نشده است. صاحبان کوره‌ها در این باره تصمیم می‌گیرند. این کارگران از برای قانون کار (حق بیمه، حق اولاد، پاداش، سکن، سوبزه، خوراک، حق و حقوق روزهای تعطیل) بی‌سهم‌اند و فاقد سازمان صنفی کارگریند. محل زندگی برخی از کارگران در روستاهای همجوار است و بعضی هم جنب کوره‌ها در کلبه‌های گلی زندگی می‌کنند. بیشتر این کارگران قلمی و سیارند و چون مشمول قانون کار نمی‌شوند، مرحله خطر اخراج و بیکاری آنان را تهدید می‌کند. این خطر در مورد کارگران دائمی نیز صادق است. کارگران در شرایط طاقت‌فرسایی کار می‌کنند و دستمزد آن‌ها با سطحی تأمین نیازیها حداقل می‌شود. خانواده‌ها، با توجه به تورم فزاینده، نیست. از جمله سالی که در مورد با کوره‌ها مطرح است، آلودگی هوا، مثلا شدن به انواع بیماریها، نبودن کیمیاها اولیه و وسایل آسبی و امکان انفجار کوره‌ها و آبریزی آنها است. انفجار کوره‌ها بدین معنی است که کار تولید آجر در این کوره‌ها از تکنیک های قرون وسطایی عقب مانده تولید می‌شود. کارگران این صنعت کارگران نشینم. یکی از کارگران آتش کار، کمصورتی سه‌چرده داشت، و غرق آسز رویی سرازیر بود. گفت:

من بی‌سالی هاشمی بودم. مدت ۷ سال است که روزی ۹ ساعت و گاهی وقتها هم شبها در این جا کار می‌کنم. سالی عالی چنگی هستم و درعالی چنگی یک تکه زمین کوچک برای کشاورزی دارم. اما چون دستم پسته است، نمی‌توانم کشاورزی بپرورم. و سه همین خاطر است که مجبورم برای اینکه از گرسنگی مریم، کارسنگین و سخت آجرپزی و انجام بدم. ماهانه تقریبا ۱۵۰۰ تومان حقوق میگیرم. که البته

کافی نیست و شک و یکنفر را هم بزور می‌بندد. بیمه بهداشت و دیگر قوتها شامل من، که کارگر دانه‌ای هستم نمی‌شود و در اینجا از کمک‌های اولیه و وسایل ایمنی و دیگر وسایل رفاهی خبری نیست. من چند بار با صاحب کوره بوسر کم بودن حقوق حرمتم شده است. ولی فقط اول، که روزانه مزد می‌گیرم، تنها ۲ تومان به مزد اضافه شد. از انقلاب انتظار دارم که امکانات کشاورزی در اختیار من کمزیر قرار دهد. تا دیگر مجبور نیاشم به این کار طاقت فرسا ادامه دهم.

یکی از نوجوانان کارگران کوره‌ها، که ۱۵ سال داشته و از طرف خستگی نفس می‌برد، گفت:

اسم من رسول است و الان ۱۳ سال است که آجرپزی می‌کنم. من چون مجبورم خارج خانواده‌ام را تأمین کنم، اصلا مدرسه نرفتم. اما سواد بسیار می‌گیرم. با اینکه کار سخت است، ولی مجبورم که کار کنم و به هر صورت راضی باشم. روزی ۵۰۰ تومان مزد میگیرم و بچه‌ها روستای گورک هستم. از یکی دیگر از جوانانی که کار می‌کنند، خواستیم که راجع به خودش حرف بزند. وی با زبانی زرد و صورت خاکی می‌گوید:

من غلامرضا علی حسینی اهل گورک، ۱۶ ساله دارم و ۳ سال است که اینجا کار می‌کنم و کثرتی کار می‌کنم. روزی ۵۰۰ تومان مزد میگیرم و تا بحال فرصت نکرده‌ام که بمدرسه بروم و درس بخوانم و ناچار هستم که از اینجا برآیم و با هم با کارفرما دعوا کنیم. یک کارگر آملانی عرب برپا می‌نزدیک شد و با عصیانیت گفت:

کار خیلی سخت است. از صبح تا غروب کار می‌کنیم و هیچی نداریم. همیشه گاری کنیم و خواب نداریم. فقط ۲ ساعت ظهر استراحت می‌کنیم. بعضی وقتها تا ساعت ۱۲ شب نوزاد می‌کنیم. وضع همگی ما همینطوره است.

یکی دیگر از کارگران می‌گفت:

این کار هم مانند بقیه کارهای سنگینی (کارگری) خیلی سخت است. زیرا با گران بودن دره‌ها حتی آب و برق هم نداریم. و خلاصه با این پول نمی‌تواند گذران زندگی کرد. بخصوص حالا که کار آجرپزی است و مشتری ندارد و فروش آن که است گریزناک است. دیگر نمی‌توانم شکم زن و بچه‌ام را سیر کنم. الان ۱۲ سال است که کارگری می‌کنم. من زمین دارم، اما چون امکانات کافی در اختیار ندارم و همچنین پولی برای خرید نملیه و پدرو کود در اختیار ندارم، بخاطر همین مجبورم که کار آجرپزی کنم. البته در زمستان غله هم می‌کارم، تا تکف خرم‌باشد. ماهی ۱۵۰۰ تومان حقوق می‌گیرم، که بعد از انقلاب ۱۶۰۰ تومان شده است. نداشتن دکتر و درمانگاه نیز مشکل بزرگ دیگر است. مثلا اگر یک شب بچه‌ام مریض شد، چون وسیله‌های ندارم که او را به درمانگاه بفرستم، مجبورم از شب تا صبح صبر کنم، و آن وقت اگر وسیله‌های پیدا شد، او را به دکتر ببرم. در غیر اینصورت مریض باید بمیرد.

مشکلات کارگران آجرپزی "گورک" بازتابی است از تمام کوره‌های آجرپزی در سطح کشور. هنوز پس از گذشت یکسال و نیم، نور انقلاب در کوره‌ها نتاییده است.

# زمستان امسال چه کسی مسئول مرگ زحمتکشان کاروانسرای زهتابی است

ماه به ماه می‌آید و بوقل گریه خانه آب و برق را از ما می‌گرفت و می‌رفت. گاهی اوقات کودهایمان را هم بیاورد می‌برد. خوش نشین‌ها رفتند و ما ماندیم و سختی کشیدیم.

وی در ادامه سخنان می‌گوید:

از موقعی که انقلاب پیروز شده است، مادیر بوقل آب و برق و گریه خانه نمی‌دهیم.

از وضع اهالی می‌رسیم. می‌گوید:

بعضی‌ها گاوداری می‌کنند، بعضی‌ها بیکارند و عدای هم دارند. برای کسانی که گاوداری می‌کنند، قیمت بویچه و تخاله و سوسوس خیلی گران است.

در این هنگام "جعفر" سر بچه یازده ساله‌ای که با صحبت نگاهان می‌کند، توضیح می‌دهد:

روی حدود یکسال است که به علت بیماری خانه نشین شده است. تا یکسال پیش دوان دوان کاروانسرا را بقصد مدرسه ترک می‌کرد، ولی حالا جز نشانی‌ها نیست.

های گلی و ویران کاروانسرا کار دیگری ندارد. پدرش که به فرزند بیمار دارد، با آسکود:

بیماری این بچه‌ها کم مرادم کرده است. به هر دگرگتی که مراجه می‌کنم، می‌گویند که در سان ندارد.

در این هنگام "جعفر" سر سولوش، می‌گوید:

"بچه‌ها که هر جا می‌رویم تا می‌بینند که می‌کودند نداریم. ما را بیرون می‌اندازند."

روحان را بر می‌گردانیم. تا خبری را که بر جیره پدر نشسته است، بنشینم. نگاهان به دیوار و سقف آلوک خیره می‌شود. سقف دارای ترک است که مرآن احتضار فرو ریختن می‌رود. در این هنگام مسأله بچه‌ها می‌گوید:

"سقف اکثر آلوک هاترک دارد. هر سال چند تا از آلوک ها خواب می‌شود. سال پیش هم سقف چند طویله خواب شد و تعداد زیادی از گاوها مردند. خودمان هم وقتی یک فطره باران از آسمان می‌بارد، عزا می‌گیریم و به سقف خیره می‌شویم. سال گذشته وقتی که زمستان آمد، همه اهالی به همسایه‌های بیرون کاروانسرا پناه بردند. حالا که فطره نگاهان به سقف و دیوارها می‌آند، غم عالم در دلها پیمان می‌نشیند، خدا می‌داند امسال چه گمانی قربانی می‌شوند. خداوند تا زمستان نمانده چه بحال ما کند. تا بچه‌های بنگاهان زیر آوار نمانند. تعمیر سقف با خواست تمامی کاروانسرایان زهتابی است. در حقیقت اولین خواست آن است. با هر کدام از اهالی که بکنگونی می‌نشینم، در وهله اول از خطر ریزش سقفها حرف می‌زنم و می‌خواهد که ما را از تعمیر فاجعه‌ها آرزوی داشته باشد. فاجعه‌های گریه‌گردد ای را تعمیر خواهد داشت.

بمردم سله می‌گویند:

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

وقتی که زمستان می‌آید و ریزش برف و باران آغاز می‌شود، همگی بانگرتانی به سفینه‌هایمان خیره می‌ماییم و منتظر فرو ریختن می‌شویم. زمستان گذشته همه اهالی کاروانسرا از آلوک‌ها پناهان بیرون آمدند و به خانه‌های بیرون پناهانده شدند.

چند تا از گاوهایمان بر آن ریزش سفید زیر آورموند، خدا میداند امسال چه گمانی قربانی خواهد شد. خدا کند تا زمستان نمانده است، فکری بحال ما بکنند و نگذارند بچه‌های بنگاهان زیر آورمانند.

این خلاصه حرف‌های زحمتکشان کاروانسرای زهتابی است. یکی از میراث‌های رزمی وابسته و یکی از میراث‌های سرمایه‌داری وابسته، یکی از اسناد حقوق بشر آمریکا، سرافراش می‌رویم.

خیابان طولی "رزم" (زهتابی سابق) تهران، به روستا شبیه است. کوه‌های خاکی با خانه‌های گلی و ویران و بوقل و لجن همجا چشم را می‌برد.

خیابان طولی "رزم" را طی می‌کنیم تا به "دایره سرگردان"، که کاروانسرای سرنگ در آن قرار دارد، می‌رسیم. دور اطراف کاروانسرا را جستجو می‌کنیم. نزدیک داریم که در این کاروانسرا که بسیاری از نااهالی گلی‌اش ویران شده است، اسبابی انسانی زندگی کند. از نزدیک کاروانسرا وارد محوطه می‌شویم. دور تا دور کاروانسرا حساری کشیده شده است. که از آنجا خیابان جدا می‌شود. در کنار دروازه‌های گاهلی و فرفر ریخته، آب آلوده و لجن و آتخال بچشم میخورد. بوی تند لجن همه‌جا فرا گرفته است. بزویی که شب و روز کاروانسرایان را می‌زند. دیوار و سقف بسیاری از اتاقها فرو ریخته است. در کنار تنها شیرینی که در کاروانسرا موجود است، زنان و دختران به پشتی ظروف مشغولند. دختری پانزده ساله، که به علت لکت زبان سختی کلماش را آدا می‌کند، بارها به پرسی به کلبه‌هایان دعوت می‌کند. بسخنی راه می‌برد و بسیار باهوشان بنظر می‌آید. وارد آلوک می‌شویم، همانند دیگر آلوک‌ها از نور و روشنائی بی‌خبر نیست. با وجود لامپ کوچکی که در اتاق است، مدتی در اتاق می‌مانیم تا چشم‌هایمان به تاریکی عادت کند. بچه‌های قد و نیم قدی دور هم نشسته‌اند، دو تا بچه کوچک، یک آدینه شکسته و عسکی از امام خمینی زینت بخش آنند. "عمری" پدر خانواده، که مرد چپل و پونج ساله‌ایست، با شور و هیجان شروع به صحبت می‌کند. از اینکه سرافراش آمده‌ام، ابراز خوشحالی می‌کند.

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق...

ما را دریم. برق نیست. حمام که حرفش را نزنید. اسفالت و درناگاه، که برای ما حکم آرزوی دست نیافتنی را دارد. فلا فطریک چیز می‌خواهیم. تا زمستان نشده بدادمان برسد. باران که بیاورد، معلوم نیست زنده بمانیم. اول ما را زنده نگاهدارد، تا بتوانیم بگویم: آب نداریم... برق



# محدودیت خروج ارز تحصیلی - اقدامی لازم، ولی ناکافی

سازمان امور دانشجویان کشور، اخیراً طی اطلاعیه‌های شرایط و ضوابط صدور ارز تحصیلی برای دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا را اعلام کرده است، بطوری که آثار موجود نشان می‌دهد، در حال حاضر بیش از ۵۰ هزار نفر از دانشجویان ایرانی در دانشگاههای مختلف آمریکا سرگرم تحصیل هستند. برای تأمین مخارج تحصیل و زندگی این دانشجویان همساله حدود ۲/۵ میلیارد دلار ارز از کشور خارج می‌شود. این رقم سنگین بر روی دقت و همه جانبه‌تری از برودر چگونگی خروج ارز بیشتر طریق لازم می‌سازد. در ارتباط با همین مسئله، لزوم تصمیم اخیر سازمان امور دانشجویان را مورد بررسی قرار میدهیم.

طبق این تصمیم، از ابتدای مهرماه آینده، کلیه بورندهای ارزی قبلی دانشجویان ازدرجته استمباراق خواهد بود و گواهی خروج ارز بسیاری دانشجویان در ۲۰ نوبت در سال، و هر نوبت برای ۶ ماه صادر می‌شود. این تصمیم شامل کلیه دانشجویان است که در آمریکا به تحصیل مشغولند و از اول مهرماه ۱۳۵۹ که بعد تقاضای دریافت ارز تحصیلی دارند. همچنین اعلام شده است که دانشجویان غیر ایرانی که خواهران و برادران ارز تحصیلی هستند، بایستی با تشکیل بورندهای جدید ارزی، تقاضای صدور ارز جدید نمایند. بر طبق این تصمیم شرایط دانشجویانی خواهند توانست ارز تحصیلی دریافت کنند که اولاً، در رشته‌های تحصیلی مشغول تحصیل باشند. ثانیاً، در دانشگاه یا مؤسسه تحصیلی که از نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی مستقر باشد، به وقت و محل اشتغال داشته باشند. ثالثاً به صورت تمام وقت به تحصیل بپردازند.

به تنها چیزی که می‌انداختند، زندگی و رفاه شخصی خودشان است. از اینرو متوجه می‌شویم که حدود ۲/۵ میلیارد دلار که سالانه از ثروت نودهای زحمتکن ما به دیار شیطان بزرگ آمریکا می‌جایز آرمال می‌شود، در کل خود نسبتاً سودی بسیار مستغنی ایران ندارد، بلکه در مواردی حتی بضرر صالح انقلاب از آن استفاده می‌شود. این مطلب وقتی واضح تر درک می‌شود که بدانیم، اکثر کسانی که به خرج همین مردم در آمریکا و کشورهای اروپای غنی به تحصیل فنون و تخصص می‌پردازند، به کشور خود بازمی‌گردند و در نتیجه به خدمت نودهای محروم میهن با در نمی‌آیند. به همدست اینها تاثیر مخرب فرهنگ سطح سرمایه‌داری بر اندیشه‌های این افراد را باید افزود. تا شعرات خرابی که نه گفته تمامی مقامات جمهوری اسلامی ایران شره‌های هولناکی به بخر انقلاب ایران وارد می‌شود. خال با توجه به تمامی این مطالب، باز آسن سوال مطرح می‌شود که: اگر بخش مدهد اینس دانشجویان از میان طبقات برده برخاسته‌اند و اکثریت خودشان دیدوستی از انقلاب و منافع نودهای شرکت کننده در آن دارند، اگر تحصیل کنند در دانشگاههای آمریکا و کشورهای اروپای غنی در جهت بر آوردن نیازهای اقتصادی ایرانی مستظرو آزاد نیست، اگر نحوه و تعلیم و تربیت دانشجویان امیرالیهستی بطور عمده در جهت بار آوردن شخصیت وابسته با اندیشه‌های آلوده به فرهنگ سطح سرمایه‌داری، است، و سرانجام اگر با توجه به اقتصاد فعلی ایران خروج ارز از کشور با بستی بسیار دقت تمام و هوشیاری کامل صورت گیرد، پس چرا هیچ فکر جدی در این مورد نشده و اقدامی قاطع برای حل این مسئله به عمل نیامده است؟

همانطور که گفتیم، تصمیمات جدید سازمان امور دانشجویان کشور خود تا حدودی نشاندهنده توجه مسئولین کثوری به این مسائل هست، اما متأسفانه بهیچوجه مساله را بطور بنیادی حل نمی‌کند، خروج ارز تحصیلی از کشور با پرداخت صالح انقلاب ضد امیرالیهستی و خلقی ما باشد، اگر به شخصیت کارآزوده و با مهارت خارج داریم که گه‌تسا هم داریم باید توجه داشته باشیم که اولاً، چه افرادی و با چه شخصاتی برای آموزش فن و حرفه خاص، به خارج اعزام می‌شوند؟ افرادی وابسته به خانواده‌های برده، به طبع درک محدود و بیگانه‌اند در بهترین حالت قادر به تشخیص ابعاد عظیم انقلاب ضد امیرالیهستی و خلقی ما نیست و با افرادی وابسته به زحمتکشان و نودهای مستغنی؟

ثانیاً، این افراد در رابطه با چه حرفه و فن خاصی، که اکنون نیاز انقلاب ما در جهت تأمین استقلال اقتصادی ایران می‌طلبد، به خارج اعزام می‌شوند؟

ثالثاً، این افراد به کدام کشور اعزام می‌شوند؟ آیا امیرالیهستیها که با تمام قوای خود برای درهم کوبیدن انقلاب ما بسیج شده‌اند و از هیچ طوطه و تحرکی برای نابودی جمهوری اسلامی ایران خودداری نمی‌کنند، می‌توانند با کمال "خبرخواهی" بخریت "شخصیت" و "افراد باهر" یکی از کشورهای امیرالیهستی آنها را به جمهوری اسلامی ایران یا تحریم اقتصادی می‌کنند، به این برز و بوم اعجاب نظمی می‌کنند و مزدورانشان را برای به تعارض گذاشتن و ایجاد هرج و مرج و سرانجام به تعطیلی گذاشتن کارخانه‌ها و صنایع کشور، بسیج می‌کنند، می‌توانند برای سوا انداختن و خودکام کردن همین صنایع برای سوا شخصیت و کارشناس تربیت کنند؟ روشن است که آنها اینکار را نمی‌کنند. آنها آنقدر تخصص تربیت کنند، برای خدمت به انحصارات بزرگ غارتگر، برای کمک به دستگاه‌های عظیم جاسوسی، برای یاری سببه پشنگون و سیاست و نه برای کمک به استقلال کشورها و بروختن "طرز اداره" حکومت‌های ملی به آنان، با توجه به این مطالب، ما از مسئولین سازمان امور دانشجویان کشور می‌خواهیم که اقدام لازم، ولی ناکافی را که در جهت محدود کردن خروج ارز تحصیلی به خارج از کشور اتخاذ کرده‌اند، به دقت و همه‌جانبه نیازهای اقتصادی کشور و صالح انقلاب ضد امیرالیهستی و خلقی ایران کامل کنند و تصمیمات قاطع، مطابق با این نیازها، برای حفظ منابع ارزی کشور اتخاذ نمایند.

# یادداشتی بر نمایشگاه نقاشی دیواری مکزیک - درموزه هنرهای معاصر تهران: اوج پیوند هنر با مردم

موزه هنرهای معاصر تهران یکی از گالری‌های متعدد خود را به معرفی نقاشی دیواری مکزیک اختصاص داده است. نقاشی‌های این آرنا می‌تربین و بزرگترین نمایشگاه جنبش مورالیهستی - نقاشی‌های مکزیک یعنی سیکوئیروس، اوروزکو و ریوروا در این گالری به نمایش گذاشته شده که کارهای عظیم که هر یک تشریح‌کننده و روایتگر از یک جنبه از زندگی مردم آن کشور است. با زتاب تحولات ژرفی که جامعه مکزیک را بیکسره درگروان ساخت به با زترین گونه‌ای در نقاشی دیواری مکزیک حضور دارد.

از سوی دیگر، تاه شیورگراف این هنر، تا شروع آهنگ انقلاب مکزیک نیز انگار نا پذیر است، دست‌کم سطح آگاهی نود - مردم را ارتقا بخشد. عالی‌ترین سرفرد مکزیک، هنگامی که در مقابل "سنگرود" اوروزکو می‌ایستد، قساوت و بیرحمی و دردی که جنگ را می‌شاند، و بی‌زمانی که "سنگرود" و ریوروا نگاره می‌کنند، در بهشت که تنها در دستری جا ساخته است که سپروز خواهد شد. مردم مکزیک با سیمای کرب پرور و زاری، به همان کراهتی که در تابلوی دیواری "چهره ریوروا" سیکوئیروس دیده‌اند، آشنا هستند. آنها زوری "زایا تا واسب سفید" اثر ریوروا هم زایا تا و انقلابی روستایی را بیشتر نشانده‌اند با دیکتا توری‌دیا ز دیکتا تور مکزیک - آشنا می‌شوند. مردم مکزیک که "فتح را تجربه کرده‌اند و قسری در برابر "فتح" ریوروا قرار می‌گیرند چه نشا نه‌اند که این نقاشی که در پیوسته است به بیگانه‌ای که در نقاشی‌های دیواری است که مردم مکزیک هر روز هنگام رفتن به سرکار،

# هنر

تاریخ کشور خود را مرور می‌کنند، هر روز قهرمانیهای پرشکوهرمه‌سپندان خود را می‌تایند، هر روز خود را با دشمن ام‌لسی - شریعت، امیرالیهستیم هر زجره و برسر و می‌بایند، و می‌تایند که بیروزی نه‌اشی آنچه‌ان که بیورا تصمم بخشیده، در رمز اتحادگان رگران - دهقانان و سرمایان کشور نهفته است.

بدینگونه است که هنرنویس مکزیک هویت ملی خود را در خواستها و آرمانهای مردمش می‌یابد. خواستها و آرمانهای شدیداً غذا شتمنازی و غذا شتمنازی، نقاشی دیواری مکزیک و جاسم - بیرونی هنر و مردم در برهه‌های تاریخی مکزیک است، هنری که به مردم مغا طریب سیرویی، سترگ بخشد. تا در روز - ثانیان علیه هر آنچه بر سرتم و بر دگر دارد نشان‌نامه‌های متنوعی بیرونی، و در این میان خوبه آنچه‌ان که با لایستی دست یافت‌گدر تاریخ هنر کم سابقه بوده است.

این تجربه موفق و عظیم بیش روی جامعه انقلابی، دست اندرکاران هنری و هنرمندان متعهد ما را آرزو می‌کند، در بیان تصویری را از انفرادگان لهرای شسته و رفته و نقاشی سنتی سه‌پایه‌ای برهانیم. نیروی بیگانه و بیگانه رجوسی که در هنرنویس است، به راستی شکست به ارمغان آوردند.

زحمت مسئولین و گردانندگان موزه هنرهای معاصر تهران را برای گردآوری این مجموعه قابل تحسین است.

## درجهان سوسیالیسم

افزایش مرخصی در جمهوری دموکراتیک آلمان دولت جمهوری دموکراتیک آلمان با اجرای برنامه سیاست اجتماعی خود، در راه بهبود زندگی طبقه کارگر و همه مردم گام برمی‌دارد. در برنامه "حزب سوسیالیست متحد آلمان" در این سباره می‌نویسند:

جامعه پیشرفته سوسیالیستی به معنای آست که سیاست اقتصادی و سیاست اجتماعی را به شکل وحدت گسیست تا پذیرد چه عمل به‌باشیم، مایده راه افزایش تولید و کارایی آن مبارزه کرد بدینسان شرایط کار و زندگی در محسنان را به‌بسته‌بدهد بخشد. یکی از اجزای سیاست اجتماعی درده سال گذشته افزایش اوقات فراغت زحمتکشان بوده است. ده سال پیش زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان هر هفته ۴۲ ساعت در هفته کار می‌کردند. این رقم برای کارگران به نوبه ۴۲ بود.

به سال است که کارگران به نوبه و مادرانی که بیش از یک کودک دارند، در هفته ۳۰ ساعت کاری - کنند.

این بیکره برای کارگران دونوبه‌ای ۴۲ است و برای دیگر زحمتکشان ۳۰ ساعت باقی مانده است. ۷/۶ میلیون کارگر، کارمند و کارآموز جمهوری دموکراتیک آلمان کمال است که سالانه حداقل سه روز بیشتر مرخصی دارند. در حدود یک میلیون تن از آنها، سالانه از بیش از ده روز مرخصی بهره‌مند می‌شوند. بیش از چهار سال ونیم است که مادران شاغلی که بیش از یک فرزند دارند، به نوبه از مرخصی - شش ماهه هم مادران برخوردار می‌گردند. بلکه می‌توانند تا حد اکثر کمال در خانه بمانند و تقریباً تمام حقوق خود را دریافت دارند. بدین سبب است که در این مدت محل کار آنها برایشان حفظ خواهد شد.

## درجهان سرمایه‌داری

یادماندهای افزایش بیکاری به مقدار یک درصد در آمریکا کنت براون، جوان ۲۱ ساله اهل میامی، می‌گوید:

"از زمان استیشن تا به حال دنبال کاری کردم و چیزی گیرم نیامده است. روزی و این، و فولاد ۴۴ ساله هوستند، تابستان اسما را "بدترین تابستانی" توصیف می‌کنند که شورش کرده دیده است. به جز بیکاری بیکاری نصیب نشده است وصف هاهم مرتب طولانی‌تر می‌گردد."

از هنگامیکه دولت جان اف. کندی، چند سال پیش "جنگ تمام عیار" را علیه بیکاری اعلام کرد، شماره بیکاران در آمریکا از ۳/۹ میلیون به ۶/۲ میلیون افزایش یافته است!

بدین ترتیب، اینک ۷/۲ درصد نیروی کار در آمریکا بیکار است.

به نوشته هفته نامه "تایم"، اکثریت بیکاران را ساهوستان تشکیل می‌دهند، ولی چندی است که هم جوانان و زنان نیز رو به افزایش است.

۳۳ درصد "تایم" ۲۵ میلیون آفریقای آمریکا می‌باشد ۱۲ و میلیون آمریکایی اسپانیایی الاصل در آمریکا بیکارند. "تایم" می‌افزاید که درصد بیکاری در میان جوانان ساهوستان به ۳۶/۶ درصد رسیده است و افزایش می‌یابد.

بیش از نیمی از بیکاران در ایالات متحده آمریکا از هرگونه کمک هزینه بیکاری محرومند، اما آنهایی هم که چنین کمکی را دریافت می‌دارند، ترجیح می‌دهند که، به جای آن، کاری به آن‌ها داده شود.

جیم هفرین، کارگری کارآدرسون (ایندیانا) می‌گوید:

برای من چیزی امانت آمیزتر از دریافت این چکها (ی کمک هزینه بیکاری) ذرفته نیست. من به کار احتیاج دارم.

به موجب نتایج پژوهش برووسورم، هاروی برنر (دانشگاه جان هابکنز)، که چندی پیش در یواس نیوز اند رلد ریپورتر چاپ شد، افزایش بیکاری به قدریک درصد، در شش سال بعد، از جمله، به‌امدهای زیر را دربر خواهد داشت؟

**برقراری اتحاد همه نیروهای صده امیرالیهستی**

**و دموکراتیک ایران**

**در جبهه متحد خلق**

مرگ و بعثت امراض قلبی و گردش خون	۲۰۲۲۰
زندان	۲۳۴۰
بیمارستانی	۲۲۲۷
قتل	۶۶۸
خودکشی	۹۲۰
بیماری کبد	۲۹۵

**رویدادهای ایران**

با عوامل فدائیانقلاب، خروج ارز از کشور ... ذکر شده است.

شهادت بن دادگاه دادگاه خواسته‌اند که هرگز ما زش نکنند و امن خیا نتکار آن به میهن را به سزای اعمال انگیزان نشان برسانند.

از اتفاقات جالب این دادگان این بود که در یکی از جلسات وکیل متهمین از ریاست دادگاه خواست که فردی را به جایگاه شهادت فراخواند. شاهد متهمین پس از سلام و تعظیم، به هوا داری از شاهما رغان سنجایی یکی از خوانوین متهم سخن گفت. این تا حدکی جزئیات مداریان، یکی از خان های تحت تعقیب نبود، که - بلاتفا طبه توسط پاسدا رهای حاضر در دادگاه دستگیر شد.

**محاكمه فتوایهای بزرگ منطقه سنجایی در دادگاه انقلاب**

دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاها، اخیراً دست به محاكمه فتوایهای بزرگ منطقه سنجایی به نامهای **سکرخسان**، **مهمدخان**، **شاهما رغان سنجایی** و **کیریب** مطلقا زده است.

در این محاكمات که علنی است و عموم مردم به آنها دسترسی دارند، شاکیان و سیمایی، علیرغم دست‌ها و تهدیدات و اعمال فشارهای غنامروا بسته به افراد فوق‌الذکر، در دادگاه شرکت و استناد نکان و ندهنده‌ای از جنابت خانها اراشده کرده‌اند.

جرایم مشخصی افراد نامبرده، قتل و تجاوز به عیف، شکنجه و مرگ دهقان در اشریکاری، و هککاری با رژیم شاهان محل و تهدید ری اسلمه عیرجما ز، ارتباط محمل

# صدای مشکوکی از «حاشیه»!

## پیام سازمان جوانان توده ایران به سازمان جوانان کمونیست شیلی بمناسبت هفته همبستگی با خلق شیلی

رفقای عزیز!

فصلی از سقوط دولت انقلابی و قانونی جنبه متحد خلق ریاست سالوادور آلنده میگذرد. کودتای شیلی، که پادشاهی پانامایی آمریکایی و مستشاران سازمان سیا انجام گرفت و خونتای نظامی فاشیستی، سرکردگی پیونشو جلا را بدست رساند، ختم و از چار همة نیروهای انقلابی و فرقیخواه جهان را برانگیخت.

خونتای نظامی در کشور شما، برعکس کوبچینش فاشیستی، فسادلیکاردی و دموکراتیک خلق، رژیم ترور و اختناق را حاکم ساخت. قریب پانصد هزار مین دوست و انقلابی در مرحله نخستین ترور آشکار و در شیلی بیست و پنج هزار پیونشو ضعیفتر رسیدند. انقلابیون جهان هیچگاه خاطرة ناپاک شهیدان استادان و سائیکو را فراموش نخواهند کرد.

خونتای نظامی - فاشیستی پیونشو همه مستوردهای شرقی و دموکراتیک را، که مردم شیلی در دوران حکومت متحد خلق بیست و نه ساله بودند لگدمال کرد و در راه تعدیه و استبداد شیلی به آمریکایی جانیکنار آمریکا گام نهاد. اما خلق شیلی هیچگاه در این سالهای سیاه انزای نتست.

پیونشو، که در هفت سال گذشته، برای تامین منابع جوارگانه ازبایان آمریکایی خود از هیچ چنانی فرگذار نکرده است، در روز سالگرد پیروزی روزهای تکیخ خون، یا با مسلاجرانم دهه دوازدهم اساسی جدید، گستاخانه ترین اهانت را در حق مردم شیلی روا داشت. پیونشو همگوشه بکک این خیمهسپازی سفره، چند سال دیگر به دوران حکومت تکلیخ خود بیافزاید و به رژیم ترور و اختناق در شیلی «قانونیت» بدهد.

رفقای عزیز! اینک سپارز هفت سال سلطه برامان ترور و ارتجاع، اخبار یویدجیسی از شیلی می رسد. واکنش اعتراض آمیز مردم در برابر خیمهسپازی همسری قانون اساسی نشان مردم که خلق شیلی چنین اهانتی را با تحکیم روزافزون اتحاد همه نیروهای ضدفاشیستی و تعدیه مبارزه با سرکونی داوروسته خونخوار پیونشو و استقرار دموکراسی در شیلی پاسخ خواهد گفت. تظاهرات و تظاهرات اعتراض آمیز روزهای اخیر نشان میدهد که دوران جدیدی در مبارزه خلق شیلی علیه رژیم مستعاندت انصارات آمریکایی آغاز شده است.

سازمان جوانان توده ایران، همراه با همه جوانان و مردم انقلابی ایران، که خود درگیر برودستشده است با آمریکاییسم آنگاه، با دیگر همبستگی عمیق و زنجیوانه خود را با مردم و جوانان شیلی، با همه نیروهای ضدفاشیستی، مین دوست و فرقیخواه شیلی، دوستیانش آنها، کمونیستهای شیلی، در مبارزاتشان با خونتای جانیکنار حاکم شیلی ابراز می دارد.

مرگ برامان آمریکایی جهان، سرکردگی آمریکاییسم آمریکا زنده باد همبستگی بین المللی جوانان در مبارزه علیه آمریکاییسم و ارتجاع!

سازمان جوانان توده ایران

## بمناسبت شصتین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران

### پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه بمناسبت شصتین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایران به شما و از طریق شما به همه اعضای حزبتان، درودهای گرم و زنجیوانه میفرستد.

تأسیس نخستین حزب طبقه کارگر ایران، بدون تردید، پدیدهای سوم سیم در تاریخ زنده گی کارگران و مردم ایران بشمار میرود. کمونیستهای ایران در سراسر مبارزات شکوهند خود ثابت کرده اند که وفادارترین و راسخ ترین پاسداران منافع توده های محکوم و آزادی استقلال مین خود هستند. آنها با جانبازیهای پیدیع و ایستادگی های قهرمانانه خویش در برابر خونت و ترور دیکتاتوری، سنت انقلابی اصیلی را در مین خود ایران، پایه نهادند. سنت نامیرده، که جزئی گسختنهای بی تاریخ ایران را تشکیل میدهد. همچنین یکی از سرچشمه های انقلاب پیروزنده ایران بوده است. انقلابی که نظام شاهنشاهی را سرنگون کرد، ایران را از سلطه آمریکاییسم آمریکادری بخشید و آنها یکی از مهربترین سترگهای بیگانه فاشیستی در منطقه مجدل ساخت.

راز پیروزیهای حزب کمونیست ایران و ادامه دهنده راه آن، حزب توده ایران، در باید در تقبلنامه شتران ما، یعنی مارکسیسم لنینیسم و آترناسیونالیسم پرولتری جستجو کرد.

رفقای عزیز! ما این فرست را مقتدر میسریم و بنام کمونیستهای سوریه و دوستان و همپیمانان آنها، با دیگر همبستگی زنجیوانه خود را با یکبار دشوار شما، در راه مبارزات نیروهای ملی - انقلابی و دفاع از مستاوردهای انقلابی ابراز می داریم. آزادی ما و همه نیروهای شرقی و انقلابی جهان آنگه است. انقلاب ایران راهبرگرینده که درستی آنرا همه آزادیهای انقلابی پیروز دوران ما بشمار رساندند. راه اتحاد و همبستگی همه نیروهای انقلابی و فرقیخواه شیلی در داخل و بیرون متقابل آنها با دوستان انقلاب ایران و همپیمانان راستین و طبیعی آن در پهنه خاربی، بود. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، در پایان، با دیگر پیروزی شما در مبارزه برای پیشبرد منافع مردم ایران خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه

با اینکه حزب توده ایران پیگیرترین افشاءکننده توطئه جدید آمریکا در منطقه بوده، نیروهای دیگر طرفدار انقلاب ایران هم به افشای این توطئه پرداختند. از جمله روزنامه جمهوری اسلامی چنین اعلام کرد: «بدلیل روح گیری مبارزات اسلامی در ترکیه، سازمان جاسوسی آمریکا با یک کودتای نظامی دولت این کشور را از کار برکنار کرد و قدرت را بدست نمایان داد» (۲۳ شهریور ۵۹) روزنامه های دیگر از جمله اطلاعات و دیگر نیروهای انقلابی هم این نقش خاتانه آمریکا را فاش کردند.

برخورد دیگر از جانب بیرون خط برزیلنکی بوده که طبق وظیفه، تمام نیروی خود را بکار انداختند تا آمریکا را از زیر غریبه خارج کنند. همزمان، از ارکان لیبرالهای بیرو خط برزیلنکی در ایران، اول از همه پیونشو دوست و فشن صحابه یا سفیر کودتاکران ترکیه در ایران، در شماره ۷ خود نوشت:

«جراج سبزی که روسیه با اشغال نظامی افغانستان به آمریکا نشان داد، اکنون نتیجه اش ظاهر شده. بدلیل این روزنامه، آقای دکتر ابراهیم یزدی هم، که در مذاکره معروف این میزبان کردن خط انقلاب ایران با خط برزیلنکی شرکت داشته، به میدان آمد و مین این حرفها را در شماره های ۲۳، ۲۴، ۲۵ شهریور روزنامه کیهان تکرار کرد. در دنبال این دو روزنامه، گروهک مائوئیستی آمریکایی در تبریز، هم به میدان آمد و همین اطلاعات را با سرامت و وقاحت ویژه خود اعلام داشت.

اما با کمال تأسف و تعجب صدای مشکوکی هم از «حاشیه» روز - نامه جمهوری اسلامی شنیده شد. «حاشیه نویسی» که انگار اصلا روزنامه خوششان را نمیخواند، اما همه نوشته ها و خط عشق «برنج» را فوت آب است. برای چندمین بار در روزهای اخیر علیه حزب ما به میدان آمد. «حاشیه نویسی» قسمت آخر سناریو را تکمیل کرد و «دعوتنامه» اعدا کرد که حزب توده ایران «بدلیل سلاخی روسیه» (۱) و آمریکا بر سر کودتا در ترکیه - به اشاره «ارباب» و به شیوه دفتر دیده ندیده، عمل کرده و کودتای ترکیه را فقط «مشکوکه اعلام کرده است»

چنین گستاخانه دودغ گفتن و ابله بزدن فقط دو پایه میتوان داشته باشد: «حاشیه نویسی» مقاله بی در بی نامه «مردم» را نخواهد و از چنین دودغ گفته و اتهام زده است، و یا خواهد ولی به سبک دفتر دیده ندیده - که ناچالورانه به ما نسبت داده - عمل کرده و دودغ گفته و اتهام زده است. «مردم» در این دو تفاوت زیادی نیست. سؤال ساده ما اینست که: چرا چرا «مردم» دودغ و اتهام، گوش می شود که خط برزیلنکی بیاد شود؟ چرا «حاشیه نویسی» بجای اینکه از شی روزنامه خویش بیروی کند، دنباله روی بیرون خط برزیلنکی در «میزبان» و «کیهان» و «فرنجیه» شده است؟

آیا مسئولان روزنامه جمهوری اسلامی متوجه هستند که چطور از «حاشیه» بر خلاف «میزبان» روزنامه شان، موش میدارند و دست در دست لیبرالهای بیرو خط برزیلنکی، میکوشند آمریکا را از زیر غریبه خارج کنند؟

آمریکا در ترکیه کودتا کرد. با این واقعیت آشکار و بر خورد شد: نیروهای طرفدار انقلاب ایران، مباحث آن را قضا کردند، از جمله حزب توده ایران در افشای این توطئه در ارکان خود نوشت: «کودتای نظامی در ترکیه، که آشکارا هدف تحکیم سیادت و سیطره آمریکا را بر این کشور قیظ میکند...» (نامه «مردم» - ۲۳ شهریور ۵۹)

نامه «مردم» افزود: «کودتاکران نظامی ترکیه می گویند که با سلیزه صدای مردم مین دوست و آزادیخواه ترکیه را علیه غارتگریا و پیدادگریهای آمریکاییسم، سرکردگی آمریکاییسم آمریکا، و سرمایه داران و زمین - دوان پررگ خفه سلاخه» (صاحب)

نامه «مردم» ارتباط این کودتای تنگین آمریکایی را با سر نوشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چنین فاش کرد: «کودتای نظامی آمریکایی همچنین در شرایطی روی داد که آمریکاییسم آمریکا برای وارد اردن توطئه فاشی و میلک بر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کلیه قوای خود را بسیج کرده است و حلقه معاصره خود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پوسته تنگتر و محکمتر میزند. ترکیه نیز از جمله نقاط است که آمریکاییسم آمریکا به آن و پایتختهای نظامی آن، هوازه چون «دفتر پرته» مناسبت علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مائوئیستی و پرشک در توطئه گسترده ای که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تدارک میدهد، جای مناسبت نیز به ترکیه اختصاص داده است.» (صاحب)

نامه «مردم» در مقاله دیگری نوشت: «هدف آمریکا از سازمان دادن کودتای ترکیه علاوه بر سرکوب جنبی رفاهی و استقلال طلبانه مردم ترکیه و تحویل یک دیکتاتوری نظامی فاشیستی بر آنها، ایجاد کانون خرابکار جدید کنجیات جنگی علیه مرکز فعلی توطئه و مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران است.» (۲۴ شهریور ۵۹)

روز پند یعنی ۲۵ شهریور ۵۹، نامه «مردم» در سویم مقاله بی در بی خود درباره کودتای آمریکایی ترکیه، این نتیجه را گرفت: «کودتاهای مشابه روزی که چنانکه تجربه ایران نیز نشان داده، تلاش است بر سرانجام برای بیرون رفت از بحرانهای عمیق و همه جانبه و جلوگیری از پیروزی محتوم ختله.»

این پیگیری در افشای آمریکاییسم، سرکردگی آمریکاییسم آمریکا، که البته چیزی جز وظیفه حزب طبقه کارگر ایران نیست، ادامه یافت و نامه «مردم» روز ۲۶ شهریور ۵۹، در چهارمین مقاله بی در بی خود درباره کودتای آمریکایی ترکیه، تحت عنوان «فرزاد ضیاعناقص» سه هفتاد و یک نفر از کودتای ترکیه تکیه بر می گوید، از جمله نوشت: «کودتای نظامی آمریکایی در ترکیه به فرزاد ضیاعناقص روحیه میدهد و او را به توتیوس و توتیوس ختله و دیکتاتوری خود را پدید می آید.»

تاکتیک ادامه یافت و نامه «مردم» در پنجمین مقاله بی در بی خود درباره کودتای آمریکایی ترکیه نوشت: «بدون کمترین تردید باید بگویم که، یکی از عمده ترین «هفتای سیاسی» در نظام آمریکا از راه افشای کودتا در ترکیه، تکمیل مقدمات برای توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران است.»

(۲۷ شهریور - صفحه اول)

## «تعدیل ثروت» به چه معناست و چگونه باید انجام گیرد؟

مرحله اول) مورد دارایی بانک (با ملی کردن بانکها و تمرکز امور مالی و ارزی) و غیره میس است.

مسئله توزیع عادلانه ثروت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران باید در ارتباط با حل بنیادی مسئله تولید در کل جامعه و براساس تقییر روشهای تولید، میزان و دیمارماتیک بر وسائل عمده تولید حل شود. در غیر این صورت، هرگونه راه حلی که مالکیت اساسی سیستم تولیدی شکل مالکیت توأم نباشد، در برتری صورت فقط جنبه موقتی و کوتاه مدت خواهد داشت و در جهت رفع کسختن ساختن و استثمار و استثمار نخواهد بود. یعنی باز بتدریج به تبعیم و تراکم ثروت در یک قلب (اقلیت) جامعه و تعدی فقر و بیگسستی در قلب دیگر (اکثریت) جامعه منجر خواهد شد. بعبارة دیگر، باز همان وضع مالکیت سرمایه داری و بزرگ مالکی پیش خواهد آمد، که رهبر انقلابی شکوهندمان امام خمینی در اوایل در آن باره گفتند: «این ثروتها را که شما دست اشخاص می بینید جمع شده است، مهال است از راه حلال باشد، اینها هفتاد و هفتاد و هفتاد و هفتاد است.»

چنین راهی همشک نمای راستی انقلاب شکوهندن فاشیستی است. خلق مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران است.

تعدیل ثروت، با عبارت دقیقتر، تقسیم محسول کلی تولید اجتماعی کشور بین اعضای جامعه متناسباً زحمتی که کشیده اند، یکسان است. مهم بنیادی است که از نخستین روزها در برابر انقلاب شکوهند ایران قرار داشته است. نابرابری فاحش در هم توازن فریال محصل در قیسم ثروتی مادی و منبری جامعه بین طبقات زحمتکش استوار شده (مستضعفان) و طبقات استثمارگر (مستکبران)، که از رژیم طاقت مستعاندت آمریکاییسم به اثر باقیانده است، باید از بین برده شود.

در جامعه مشغول جمهوری اسلامی ایران اکنون کترکسی است که به ضرورت توزیع عادلانه ثروتی مادی و منبری بین اعضای جامعه مقتصد نباشد. بحث و گفتگوها بطور کلی بیرون طریقه از بین بردن این نابرابری فاحش، در اطران راه منضم توزیع عادلانه ثروت دور میزند. از آنرو که شیوه و میزان تقسیم ثروت (یعنی مستورد کل تولیدات اجتماعی) در جوامع مختلف مستقیماً به شکل های مختلف مالکیت در آن جوامع وابسته است، لذا برای حل بنیادی مشکل تعدیل ثروت نیز باید از حل مسئله اساسی مالکیت آغاز کرد.

آقای رحالی نخستوزیر، در اولین تقسیم محسول کلی تولید اجتماعی کشور بین اعضای جامعه متناسباً زحمتی که کشیده اند، یکسان است. مهم بنیادی است که از نخستین روزها در برابر انقلاب شکوهند ایران قرار داشته است. نابرابری فاحش در هم توازن فریال محصل در قیسم ثروتی مادی و منبری جامعه بین طبقات زحمتکش استوار شده (مستضعفان) و طبقات استثمارگر (مستکبران)، که از رژیم طاقت مستعاندت آمریکاییسم به اثر باقیانده است، باید از بین برده شود.

تعدیل ثروت، با عبارت دقیقتر، تقسیم محسول کلی تولید اجتماعی کشور بین اعضای جامعه متناسباً زحمتی که کشیده اند، یکسان است. مهم بنیادی است که از نخستین روزها در برابر انقلاب شکوهند ایران قرار داشته است. نابرابری فاحش در هم توازن فریال محصل در قیسم ثروتی مادی و منبری جامعه بین طبقات زحمتکش استوار شده (مستضعفان) و طبقات استثمارگر (مستکبران)، که از رژیم طاقت مستعاندت آمریکاییسم به اثر باقیانده است، باید از بین برده شود.

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

